

باسمه تعالی

به داشته‌هاات فکر کن!

چکیده: در ابتدا اهمیت توجه به دارایی‌های هر فرد می‌شود. سپس اینکه خداوند برای رشد این دارایی‌ها به ما راه‌هایی را نشان داده است و در بخش انتهایی در رابطه با نعمت ویژه الهی صحبت خواهد شد که نه تنها یک پشتوانه و دارایی استثنائی به حساب می‌آید، بلکه موجب افزایش دارایی‌های مادی و معنوی ما نیز می‌شود.

- سلام، خوش آمدگویی، تبریک‌عید و معرفی خود

(مجری از یک زوج و یا دو دوست خواهش می‌کند که او را همراهی کنند)

- من از شما دو عزیز می‌خواهم که من رو در این بخش از گفت و گو همراهی کنید:

از نفر اول می‌خواهیم تا در حد ۱۵ ثانیه خود را معرفی کند و از ویژگی‌ها و توانمندی‌های خود بگوید. سپس از نفر دوم می‌خواهیم تا با استفاده از تبلت و یا موبایلی که در اختیار دارد، از روی فایل پاورپوینت (که بر روی سایت موجود است)، صفات و ویژگی‌های دوست و یا همسر خود (نفر اول) را نشان دهد.^۱

- همانطور که دیدیم خیلی از اوقات ما نسبت به داشته‌های معنویمون مثل همین صفات، ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و... خودمون غافل هستیم و البته دارایی‌های مادی ما هم از این قضیه مستثنا نیستند. کسی از شما دوستان می‌تواند بدون انگشت شست خود، یک دکمه پیراهن خود را باز و دوباره ببندد؟! (این بازی برای نشان دادن غفلت ما از نعمت مهمی مثل انگشت شست که یک دارایی مادی است طراحی شده است). به طور کلی بعضی از اوقات ما نسبت به دارایی‌هامون، چه مادی و چه معنوی، اون طور که باید توجه نداریم و این موضوع در دارایی‌های معنوی پررنگتر هست. حتی در مواردی دوستان و یا همسر ما نسبت به خود ما آگاهی بیشتری به این ویژگی‌ها دارند (که شاهد مثال این قضیه گفت و گوی ابتدایی است). مثلاً برای خود من پیش اومد که در یک مصاحبه شغلی، بعد از اینکه از

^۱ حتماً برای عملکرد بهتر نرم افزار PowerPoint را بر روی موبایل یا تبلت خود داشته باشید.

من پرسیده شد که چه مهارت‌ها و توانمندی‌هایی دارم، فقط تونستم به دو یا سه مورد اشاره کنم اما مصاحبه کننده که من رو می‌شناخت شروع کرد به بیان ویژگی‌ها و مهارت‌هایی که دارم. برای خودم هم خیلی جالب بود که حداقل در اون لحظه این موارد به ذهنم نرسیده بود. (حتی المقدور خاطره‌ای شخصی از غفلت دارایی‌های خودمون بیان بشه)

- این اتفاق در مواقعی که شما باید خودتون رو توصیف کنید به احتمال زیاد رخ خواهد داد. مثل مصاحبه شغلی، خواستگاری، مصاحبه برای مهاجرت (که این روزها هم بسیار داغ شده!) و...
- عدم آگاهی مناسب در مورد خودمون میتونه یک نقطه ضعف پررنگ باشه. در خیلی از کلاس‌های موفقیت هم روی این نکته بسیار تاکید دارند که افراد باید سلائق و ویژگی‌های خودشون رو کامل بشناسند تا بتونن گام‌های موفقیت رو طی کنند.
- در دنیای امروز خودشناسی قدمی بزرگ برای پیشرفت در زمینه‌های مختلف شغلی، خانوادگی، روابط اجتماعی و... است. برای مثال شخصی که شناخت درستی از خود ندارد، شغلی را انتخاب می‌کند که از آن لذت نمی‌برد و یا حتی پیشرفتی در آن ندارد و یا مثلاً با کسی ازدواج می‌کند که مناسب یکدیگر نیستند و شاید به همین علت باشد که آمار طلاق روز به روز افزایش پیدا می‌کند.
- از طرف دیگه شما به واسطه تقویت این ویژگی‌ها می‌توانید به دارایی‌های مادی خودتون هم اضافه کنید. یعنی مثلاً اگر شما آدمی با ارتباطات قوی باشید، به راحتی می‌توانید در مهمانی‌ها و یا دورهمی‌های دوستانه شبکه سازی کنید و این امر باعث افزایش نفوذ شما خواهد شد. (به طور عامیانه شما لینک پیدا می‌کنید و مشکلاتتان را در بزنگاه‌ها به این واسطه حل می‌کنید)
- کلاً همیشه اینطوری گفت که ماها از توانمندی‌ها و مهارت‌هایی که داریم پول درمیاریم!

به طور کلی تا این بخش در مورد اهمیت خودشناسی و دارایی‌هایی معنوی که همان مهارت‌ها، توانمندی‌ها، ویژگی‌ها و... است صحبت کردیم و در ادامه می‌خواهیم در مورد ارتباط این دارایی‌ها با خداوند صحبت کنیم.

از سوال زیر می‌توانید به عنوان یخ‌شکن استفاده کنید! هدف از این سوال یادآوری این مطلب است که ما به خالق اعتماد داریم.

- برای ادامه بحث یک سوال دیگه از شما عزیزان دارم. کدام یک از شما دوستان مجرد هست و دلیل این مجرد بودنش مسائل اقتصادی است؟
- تصور کنید من به شما ۲۰ میلیون تومان وام بلاعوض بدم، حضری ازدواج کنی؟ (در صورتی که قبول نکرد مبلغ وام را بالا ببرید. بعد از قبول می‌گویید:)
- شما من را نیم ساعت نیست که می‌شناسید و به من اعتماد کردید که به خاطر پولی که من به شما می‌دهم، حاضرید ازدواج کنید.

- خب من کسی رو می‌شناسم که بارها به ما گفته که من بهت وام میدم و ما حسابی روش باز نکردیم، بله! اون هم خداست! همین خدای خوبمون که همیشه حواسش بهمون هست!
- امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: هر کس از ترس فقر و بی‌پولی ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است. چرا که خداوند می‌فرماید: اگر آنان فقیر هم باشند خداوند از فضل و کرم خود بی‌نیازشان می‌کند.
- ماها بعضی وقت‌ها چیزهای مهمی رو فراموش می‌کنیم!
- خدا قسم خورده که وقتی یه قولی رو میدی پای حرفش می‌مونه!
- جالبه بدونید که خداوند برای ویژگی‌ها و صفات مثبت ما اهمیت زیادی قائل شده و وعده داده که اگر ما این ویژگی‌ها رو اگر داریم تقویت، و اگر نداریم ایجاد کنیم، دارایی‌های مادی و معنوی ما رو چندین برابر میکنه. مثلاً:
- خداوند در کتاب آسمانی ما قرآن وعده داده که اگر قدردان نعمت‌ها باشیم، نعمت‌های ما رو بیشتر و بیشتر میکنه: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ^۳ و یا به قول معروف: شکر نعمت نعمت افزون کند.
- و یا اینکه خداوند اخلاق خوب رو کلید گنج‌های روزی به ما معرفی کرده.^۴ کلاً حسن خلق آورده‌های خیلی زیادی داره که به خاطر کمبود وقت به یکی‌اش فقط اشاره کردیم. اتفاقی که این روزها به خاطر شرایط خاصی که توش هستیم کمتر از مردم می‌بینیم. واقعاً کسی که خوش اخلاق نعمت خیلی بزرگی داره که شاید خودش ندونه دقیقاً چه چیز با ارزشی رو داره!
- و یا اینکه رحم کن، تا به تو رحم شود: اِرحم، تُرحم^۵
- ...
- بی‌شمار از این قواعد ساده به ما معرفی شده‌اند اما خیلی وقت‌ها به خاطر عدم آگاهی از اون‌ها در زندگی روزمره‌مون استفاده نمی‌کنیم. قرار شد که به خالق خودمون اعتماد داشته باشیم!
- حالا می‌خواهیم در مورد نعمت ویژه خداوند صحبت کنیم. کسی که امروز به مناسبت ولادت او دور هم جمع شده‌ایم؛ مهدی علیه السلام. کسی که در موردش گفته‌اند: «بِیْمِنِهِ رُزْقَ الْوَرَى»^۶؛ یعنی ما سویی ا...، تمام موجودات غیر از خداوند، به یمن وجود امام زمان روزی داده می‌شوند؛ یعنی هر نفسی که می‌کشیم، به امام زمان وابسته هستیم؛ هر بازدمی که داریم، به امام زمان وابسته هستیم. خداوند به واسطه‌ی ایشان گرفتاری و سختی‌ها را از ما دور می‌کند و غم ما را می‌زداید.^۷ وجود ما، هم در بُعد ظاهری و هم در بُعد معنوی و روحی، در تمام لحظات وابسته به اوست.

۳ سوره ابراهیم آیه ۷

۴ میزان الحکمه، باب ۱۱۱۴، حدیث ۵۰۷۷

۵ امالی صدوق، ص ۲۷۸، ح ۳۰۸

۶ زاد المعاد، ص ۴۲۳

۷ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵

- امام عصر ارواحنا فداه نه تنها خود نعمتی بزرگ برای ما هستند بلکه موجبات نعمات دیگر را نیز برای ما فراهم می‌کنند. این نعمت هم از جمله نعمت‌هایست که ما شدیداً از آن غافل هستیم.
- حال که فهمیدیم از چه نعمت بزرگی غافل بودیم، بیایید قرار بگذاریم که این آقای بزرگوار را به دیگران هم معرفی کنیم و یا بهتر بگوییم به دیگران یادآوری کنیم. خیلی از ماها وقتی به یک موضوع و یا نکته جذابی می‌رسیم اون رو حداقل با اطرافیانمون درمیون می‌ذاریم و وقتی تجربه‌ای می‌کنیم که لذت بخشه اون تجربه رو با دیگران تقسیم می‌کنیم.
- برای اینکه یه مقدار بیشتر درک کنیم که چه کسی رو داریم به این مثال توجه کنید. تصور کنید که شما از طرف گوگل (یا هر کمپانی بزرگ دیگری) به عنوان نماینده در ایران انتخاب شدین تا بررسی‌های لازم برای ورود رسمی گوگل به ایران رو فراهم کنید. آیا دست روی دست می‌گذارید تا شما را اخراج کنند یا به دوندگی خود برای پیدا کردن بهترین شهر، محله و یا ساختمان محل تاسیس ادامه می‌دهید؟! یا اگر سرمایه‌هنگفتی داشته باشیم از فردا در جهت حفظ و هم‌افزایی اون تلاش می‌کنیم. اگر دوست خوبی داریم که از با او بودن لذت می‌بریم سعی می‌کنیم حفظش کنیم و برای تقویت بیشتر این دوستی تعاملمون رو با او بیشتر می‌کنیم. وقتی که درک درستی از این نعمت الهی، یعنی امام هدایت، داشته باشیم بی‌قرار می‌شویم! می‌دویم تا او رو هرچه بهتر و بیشتر بشناسانیم.
- امام عصر پدرا نه منتظر فرزندانش هست و دوست داره تا همشون او رو بهتر بشناسن.
- امام عصر علیه السلام رو اینگونه به ما معرفی کرده‌اند که: پدری مهربان، برادری تنی و مادری دلسوز!
- هر کدوم از این ویژگی‌ها میتونه من و شما رو قانع کنه که یکبار بریم در خونه‌اش و باهاش همکلام بشیم.
- چطوری؟
- فقط کافیه که لب‌هامون رو تکون بدیم^۸ و باهاش حرف بزنیم. کافیه تجربه‌اش کنیم و لذت این تعامل رو بچشیم.
- مثل عبدالرحمن سنی که این لذت رو نسبت به امام زمان خودش اینگونه تعریف میکنه: من مردی فقیری بودم ولی زبانی گویا و جرأت زیادی داشتم. در یکی از سال‌ها که مردم از حاکم شهر به سطوح آمده بودند، مردم مرا به همراه گروهی از نمایندگان به عنوان دادخواهی به دربار خلیفه عباسی یعنی متوکل فرستادند. وقتی به بغداد رسیدیم، خود را به کنار قصر متوکل رساندم و دریافتم که او امر به احضار آدم مهمی کرده است. مردم اطراف قصر متوکل جمع شده بودند. من از یکی از آنان پرسیدم این مردی که متوکل امر به احضارش داده است کیست؟ گفتند: که این مرد، مردی علوی است که رافضیان به امامت او اعتقاد دارند، احتمالاً متوکل او را احضار کرده تا به قتلش برساند. عبدالرحمن گوید من به او گفتم از اینجا تکان نمی‌خورم تا آنکه ببینم این مرد چگونه مردی است. پس از چندی عبدالرحمن ملاحظه کرد که حضرت هادی علیه السلام را سوار بر اسب کرده و می‌آورند و مردم نیز در سمت راست و چپ ایشان صف بسته‌اند. حضرت هادی علیه السلام همانگونه که بر روی اسب نشسته بودند بدون آنکه به راست و چپ نگاه کنند بر یال اسب نگاه می‌کردند و مردم نیز در دو صف به نظاره امام مشغول بودند. عبدالرحمن گوید: وقتی چشمم به جمال آن حضرت افتاد مهرش به دلم نشست و در دل از خدا خواستم که شر متوکل را از او دفع

نماید. همان طور که حضرت در همان حال جلو می‌آمد، من مرتب در دلم، آن بزرگوار را دعا می‌کردم. وقتی به محلی رسیدند که من ایستاده بودم، رو به من کرده و فرمودند: خدا دعای تو را در حق من مستجاب کند و به تو نیز طول عمر، مال فراوان و فرزندان زیاد عنایت کند. عبدالرحمن گوید: من لرزیدم و در میان یاران بر زمین افتادم. پس از مدتی به شهرم برگشتم و از آن به بعد خدای تعالی خزانه‌های خود را به طرف من باز کرد به حدی ثروتمند شدم که من امروز در خانه‌ام را بر روی چیزی که یک میلیون درهم ارزش دارد، می‌بندم؛ سوای مالی که در خارج خانه دارم. خدای تعالی تاکنون به من ده فرزند داده است و از عمرم هفتاد و اندی سال می‌گذرد و من امروز قائل به امامت کسی هستم که خدای تعالی دعایش را درباره من مستجاب کرده است.^۹

- بیاید در انتهای برنامه ما هم مثل عبدالرحمن از خداوند برای امام زمانومون طلب سلامتی کنیم: اللهم کن لولیک...